

خرس کوچولو، بارها شنیده بود که «میکروب ها» موجودات خترناکی هستند. به همین دلیل، تصمیم گرفت با آن ها بجنگد. یک روز صبح زود، چوبی برداشت و به راه افتاد. در راه به یک بچه گنجشک رسید. نگاهی به او کرد و گفت: «من می خاهم با میکروب ها بجنگم. تو آن ها را اینجا ندیده ای؟» گنجشک جواب داد: «این توری که نمی شود؛ تو باید...». اما خرس کوچولو به بکته ی حرف های او گوش نکرد. خرس کوچولو که از حرف های بچه فیل هم چیزی نفهمیده بود، ناراحت و بی هوسله به راه افتاد. از درخت بالا رفت، عثل ها را با همان دست های کثیفش خورد. مادرش به او گفت: «از بزم، اگر اول از من می پرسیدی که میکروب ها کجا هستند و چه طور می شود با آن ها جنگیده، به تو می گفتم. تو باید بدانی که میکروب ها در دست های کصیف زندگی می کنند. پس برای جنگیدن با آن ها، بهتر است همیشه خود را پاکیزه نگه داری و دست هایت را قبل از غذا خوردن بشویی. حالا حم باید استراحت کنی تا دوباره ثالم و شاداب شوی.»

- | | | | |
|---------|---------|---------|---------|
|4 |3 |2 |1 |
|8 |7 |6 |5 |
|12 |11 |10 |9 |
|16 |15 |14 |13 |
|20 |19 |18 |17 |